

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگر: داکتر رحیم آذر

۱۱ اگست ۲۰۱۱

گزارشی مختصر از جریان تشییع جنازه روانشاد لندری

فکر می کنم این تنها من نیستم که هیچ گاهی نخواستیم ام به میل و رغبت در مراسم تشییع جنازه دوستی شرکت نمایم، بلکه مطمئن هستم چنین امری برای هیچ انسانی خالی از رنج جانکاه نبوده و نخواهد بود. با در نظر داشت چنین امری، باز هم وقتی قرار باشد از آن جریان گزارشی ترتیب گردد، به یقین آن گزارش خالی از عیب و کاستی نخواهد بود، به همین مناسبت قبل از همه از سخنرانان محترمی که بخشهایی از سخنان شان را در اینجا خواهم آورد، به خاطر احتمال کمبود و نقص از قبل پوزش می خواهم:

با وجود ماه رمضان، و عدم تعطیل که شاغلین به مشکل می توانند کار را ترک نمایند، به علاوه منسوبین و اعضای خانواده شادروان "لندری" جم غفیری از افغانهای مقیم تورنتو و فرهنگیان این دیار که با شعر، ادب و فرهنگ آشنائی دارند، طبق اعلام قبلی، به دنبال خواندن نماز ظهر و نماز جنازه، به ساعت ۲ و ۱۵ دقیقه با جنازه عازم گورستان "Glenview Memorial Gardens" گردیدند.



همان طوری که باید باشد، در گورستان، قبر از قبل آماده بوده و به محض رسیدن موتر جنازه و تشییع کنندگان، با عجله ای که در همچو موارد خاص جامعه افغانی ماست، همه دست به کار شده و بعد از آن که لحظاتی چند، دوستان برای آخرین بار با "میت" وداع نمودند، مراسم تدفین آغاز یافت. خلاف برخی از جاها، که افراد می خواهند خود قبر را پر نمایند در این جا حضار به وسایل موتوری اجازه کار دادند، امری که باید برای همه ما آموزنده باشد. بعد از آن که خاک بالای جسد افتاد و به اصطلاح قبر پر شد، جناب "قاری حلیم" چند آیت از قرآن را تلاوت نمود.



جناب قاری صاحب هنگام قرانت آیاتی چند

با ختم قرانت قرآن، ملا صاحب "شیرزوی" اولین سخنرانی را بالای قبر انجام دادند. ایشان در صحبت های مبسوط و مستند شان به آیات قرآن و احادیث نبوی، ضمن آن که بر انجام فرایض دینی به مثابه یگانه توشه ای که میت با خود می برد، تأکید ورزیدند، و با مهارت و ورزیدگی تمام روایات مذهبی را به ارتباط شب اول قبر، و سوالات "نکرین" باز گو نمودند؛ مگر با تأسف به همان طرح مسایل عام قناعت ورزیده نخواستند، اندکی در مورد میت حاضر سخنی بگویند. ایشان را به مردم معرفی دارند، صفات نیک و حسنه ایشان را برشمارند و نقش ایشان را در جامعه انسانی مشخص سازند.



ملا صاحب "شیرزوی" که سرپا سفید پوشیده اند هنگام صحبت

با ختم صحبت ایشان، خواهر زاده مرحومی می خواست به ادامه صحبت قبلی با برجسته ساختن "عابد بودن" روانشاد "للندری" صحبت را ختم نمایند. مگر خوشبختانه آقای "احمد عاکفی" به نمایندگی از طرف دوستان فرهنگی آن مرحوم در "کاروان شعر" رشته صحبت را با دکلمه شعر پرمحتوای سعدی شیرازی که گوید:

سعدیا مرد نیکو نام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نیکونی نبرند

به دست گرفته، زندگینامه آن روانشاد را به استناد یکی از مجموعه های شعری وی زیر نام "فریاد ملت مظلوم" که خود متوقفا نوشته بود، خوانده و به مثابه حسن ختام یکی از اشعار آزادیخواهانه آن روانشاد را به شکل دلپذیری دکلمه نمودند.



آقای "احمد عاکفی" حین خواندن زندگینامه مرحومی

با ختم صحبت آقای "احمد عاکفی" قبل از آن که باز هم خواهر زاده مرحومی به صحبت آغاز و محفل را ختم نماید، استاد "مشرف" به نمایندگی از پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" از حاضران اجازه خواسته به صحبت آغاز نمود.



استاد "مشرف" هنگام صحبت

استاد "مشرف" به دنبال آن که مرگ آن مرحومی را به اعضای فامیل و دوستانش تسلیت گفت و از درد انگیز بودن فقدان آن عزیز سخن گفت، افزود:

وقتی حدود دو سال قبل برای اولین بار در یکی از محافل کاروان شعر که به مناسبت اولین سالگرد آن نهاد فرهنگی دایر شده بود، شرکت جستم، با آقای "للندری" آشنا شده و ایشان را به همکاری با پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" دعوت نمودم.

آقای "للندری" که مردی بود متواضع، مهذب و حلیم، به این پیشنهاد پاسخ مثبت داده، همکاری با پورتال را آغاز نمودند. در نخستین ماه ها و حتا اولین سال همکاری، مسؤولین پورتال به خصوص استاد سخن آقای "معروفی" بدون آن که به محتوای اشعار آقای "للندری" دخالتی نمایند، مشوره ها و همکاری ها را به صنایع شعری محدود نموده بودند. اما به مرور زمان وقتی از جانبی صفای طینت آقای "للندری" بیشتر از پیش هویدا گردید و از جانب دیگر ذوق سرشار و پشتکار بی نهایت آن مرحوم تبارز نمود، صحبت هائی با ایشان به مناسبت محتوای اشعار شان نیز صورت گرفت.

"پورتال" به آقای "للندری" با صراحت تذکر داد، که با تمام احترامی که ما به تمام انواع شعر داریم و به کار تمام شاعران ارج عظیم قایل هستیم، مگر این نکته را باید بنگاریم، که طرفدار شعر را به خاطر نفس شعر سرودن نیستیم، ما همانطوری که گفتار و نوشتار را ابزاری می دانیم که به خاطر تحقق اهداف خاصی به کار می روند،

شعر را نیز به مانند آنها ابزاری می دانیم که باید در خدمت هدف خاصی قرار گرفته از بازی با کلمات و بافت های عجیب و غریب بیرون شده، رسالت آگاهی دهی و ارتقای فکری انسان مخاطبش را به دوش بگیرد.

باز هم در تشخیص رسالت، بیشتر و بیشتر از همه باید اولویت ها و نیاز های زمانش را درست درک نماید. به صورت مثال در شرایط فعلی که کشور ما به وسیله بیش از ۴۳ کشور اشغال شده، از در و دیوار آن خون می بارد و از کشور گورستانی به وجود آمده به وسعت و بزرگی افغانستان، رسالت شاعر آن است که با ابزار شعر خویش و با گلوله های گلامش، به جنگ علیه اشغالگران دست یازد. شعرش فریادی گردد که انسان دربند افغان را به سوی قتل شامخ آزادی کشور و بهروزی انسان آن فراخواند.

اینجاست که "لندری" دیگری متولد می گردد، از انواع دیگر شعر، به شعر آزادیخواهانه و شعر مقاومت روی می آورد، در مدت کوتاهی با سرون ۱۲۰ قطعه شعر آزادیخواهانه که همه در اثر "فریاد ملت مظلوم" جمع شده است، بعد تازه ای به شخصیت شعری و شخص خودش می بخشد. بعد آزادیخواهانه به مثابه یک سرباز آزادی، سربازی که می داند، "در نزد خدایش بزرگترین جهاد ها، اظهار کلمه حق است مقابل پیشوای ظالم"، سربازی که می داند که در کشور شغال شده ما، به نبرد اشغالگران رفتن، جهادبست بس عظیم. با حرکت از همین منظر است که ما وی را سرباز آزادی می دانیم و من هم به رسم سربازی، برای این سرباز آزادی ادای تعظیم عسکری می نمایم.

با ختم سخنان پر شور آقای "مشرف" مراسم تشییع جنازه به علاوه آن که بعد دیگری از شخصیت آن روانشاد اشکار گردید، در کل مراسم شکل کاملاً دیگری به خود گرفت.

به دنبال صحبت استاد "مشرف" خواهر زاده مرحومی، رشته سخن را به دست گرفته، در جمع ابراز داشتند، که وقتی ماه قبل به عیادت ایشان رفته بودند، به خواهش خودشان دو پارچه شعر ایشان را که یکی حمد بود و دیگری نعت، برای شان قرائت نمودند که آن دو قطعه شعر بیشتر از تمام اشعار مورد پسند شخص متوفا بود. هم چنین ایشان افزودند، که آقای "لندری" شخصی بود موحد و متشرع.



خواهر زاده متوفا هنگام صحبت

با ختم صحبت خواهر زاده مرحومی که با تأسف نتوانستم اسم شان را ببرسم، داکتر صاحب اسدالله شعور، یک تن از نام آوران هنر و ادب در جامعه افغانان تورنتو، رشته سخن را به دست گرفته، با بیان این که بیشترین اشعار آقای "لندری" شعر خانقاهیست و نامبرده در شعر خانقاهی یک تن از نام آوران ما در عصر حاضر بود، بعد دیگری از شخصیت شادروان "لندری" را به حاضران معرفی نمود.

هم چنین ایشان افزودند، بنا بر پیوندی که بین شعر خانقاهی و موسیقی وجود دارد و تقریباً لازم و ملزوم همدیگر هستند، شادروان "لندری" با آله موسیقی "رباب" آشنائی کافی داشته و تا زمانی که صحت شان اجازه شرکت در شب نشینی های خانقاهی را می داد، همیشه در آن محافل شرکت نموده با نغمه "رباب" تاثیر کلامشان را چند چندان می ساختند.



داکتر اسدالله شعور حین بیان بعد شخصیتی دیگر شادروان لندری

با ختم سخنرانی فشرده اما پر محتوای آقای "شعور" قاری صاحب مراسم را ختم نمود. نکات مثبت و کاستی های این مراسم از دید این قلم:

- ۱ - نظم، دسپلین و آرامشی که در جریان مراسم مراعات گردید، بس آموزنده بود.
- ۲ - در کنار صحبت های مذهبی جناب ملا صاحب، صحبت هائی که دوستان، همکاران و خواهر زاده اش نمودند، ابعاد مختلف شخصیت آن مرحوم را بیشتر آشکار ساخته، برای آنانی که شناخت درستی از وی نداشتند، جایگاه روانشاد را تثبیت نمود.
- ۳ - از این که بر روی قبر بر ابعاد مبارزاتی و هنری متوفا، تأکید صورت گرفت، نشان می دهد که ما افغانها هم می توانیم "تابو" های ایجاد شده از سنن خرافی را بشکنیم. ما هم سر انجام یاد گرفته ایم که فردی را به خاطر همان چیزی که است احترام قایل شویم، نه به خاطر آنچه ما می خواهیم که کسی چنان و یا چنین باشد. به عبارت دیگر ما به انسان ها به خاطر شخصیتی که دارند احترام قایل هستیم نه به خاطر آنچه ما می خواهیم داشته باشند.
- ۴ - عدم هماهنگی بین سخنرانان، که چندین بار خواهر زاده متوفا می خواست، مراسم را ختم کند و دوستانش می خواستند صحبت نمایند، می شد از قبل مرفوع گردد.

۵- تا جایی که دیده شد، حتا خلاف سایر مراسم تشییع جنازه در تورنتو، که خانم ها نیز در مراسم شرکت می نمایند، در آنجا مرد سالاری نوع طالبی حاکمیت مطلق داشت، چه به هیچ یک از زنها حتا اعضای خانواده اش اجازه داد نشد، تا در مراسم حضور به هم برسانند. - ایکاش به همین مناسبت نیز آقای داکتر امین الدین سعیدی مطلبی بنویسند تا احکام مذهبی از سنن خرافی متمایز گردند.